



نقش بی‌بدیل بانوان کربلا

در عرصه جهاد تبیین و تداوم نهضت حسینی

نویسنده: ناهید طیبی

در طول تاریخ بشری، نقش‌های برجسته زنان، در بردارنده برگ‌های زرینی از تاریخ بوده است. همواره چشم و دست و دامن زنان فرهیخته و بزرگ، نگهبان ارزش‌ها و آرمان‌های بلند بشر بوده و هست و هرگز نمی‌توان این واقعیت را انکار کرد و یا به دیده‌ای ناچیز از آن یاد نمود. به‌یقین در مقاطع حساس و مهم تاریخی و وقایع ماندگار، این نقش‌ها بیش از پیش نمایان می‌شود؛ از این‌رو برآن شدیم که نقش زنان در کربلا و عاشورا، این قطعه جانسوز از تاریخ بشريت را بررسی کنیم تا گواهی برای عظمت و شرافت زنان وارسته باشد و نام بلند آنان، بر تارک تاریخ جاودانه بماند.

خانم ناهید طیبی از اساتید حوزه علمیه خواهران و جامعة‌الزهررا ^(عجته) در این نوشتار، نقش‌آفرینی زنان در واقعه کربلا و پس از آن را مورد بحث و بررسی قرار داده است که در ادامه می‌آید.

• نقش بانوان عاشورایی در صحنه کربلا

هنگامی که از زنان و حضور مستقیم آنان در صحنه‌های حساس عاشورا و کربلا سخن به میان می‌آید، نام بلند حضرت زینب ^(عجته) در ابتدا به ذهن‌ها متبادر می‌شود. نقش این بانوی بزرگ، چنان برجسته و فراگیر است که پرداختن به آن مجال زیادی می‌طلبد؛ از این‌رو، اشاره‌ای به برخی از جنبازی‌های این بانوی حماسه و عرفان و عاطفه خواهیم داشت.

حضرت زینب ^(عجته) در رابطه با امام حسین ^(عجته) نقش یک همراه، همدل و همراز صمیمی را داشت و پیوسته با جمله‌های زیبا و علی‌گونه خویش، حقانیت قیام امام را متذکر می‌شد و هرگاه در بخشی از سپاه، تزلزل و یا تردید و تحیر ایجاد می‌شد، با پیام‌های وحدت‌آفرین خویش، یکدلی را در محیط حاکم می‌کرد. مراقبت از کودکان، ایجاد روحیه مقاومت در برابر شهادت عزیزان، مدیریت بانوان مضطرب و نگران، محافظت از جان امام سجاد ^(عجته) و دیگر بیماران و جانبازان کربلا، ایجاد آرامش روانی در بین بازماندگان و… از جمله نقش‌های مهم حضرت زینب ^(عجته) است. از جمله زنانی که در میدان کارزار به‌نوعی حضور داشته و شجاعانه با دشمن جنگیدند، همسر مسلم‌بن عوسجه، ام‌وهب (که توسط امام حسین ^(عجته) مسلمان شد)، مادر عبدالله کلبی، مادر عمروبن جناده و مادر عبدالله‌بن عمر را می‌توان نام برد.

در تاریخ از دو زن به‌عنوان شهیدان کربلا و عاشورا یاد شده است که عبارتند از: هانیه (همسر وهب) و بانوی نمیریه قاسطیه، همسر عبدالله‌بن عمیر کلبی (ام‌وهب)^۱

ام‌وهب و هانیه دو شمع فروزان کربلا

ام‌وهب و پسر و عروشش بر آیین مسیحیت بودند. کمتر از بیست روز از عروسی این دو جوان، وهب و هانیه، می‌گذشت که در صحرای سرسبز «ثعلبیه» در نزدیکی کربلا خیمه زدند. در تاریخ آمده است که امام حسین ^(عجته) هنگام حرکت به سوی کوفه، به سرزمین «ثعلبیه» رسید و بر اساس کرامت و بزرگواری خود، از اهل خیمه سراگی گرفته و احوال‌پرسی نمود. ام‌وهب از بی‌آبی و مشکلات مربوط به کمبود آب گفت و امام ^(عجته) که مصداق بارز «وعادتکم الاحسان وسجیتکم الکرم» بود، با نیزه خود قسمتی از خاک زمین را کنار زد. ناگهان آب از دل زمین جوشید و ام‌وهب و عروشش متعجبانه به این اعجاز نگریستند. امام ^(عجته)، سپس به این بانو فرمود: «اگر پسر آمد، به او بگو که اگر بخواهد، می‌تواند ما را یاری کند.» امام به حرکت خویش ادامه داد و وهب هنگام بازگشت، با دیدن معجزه پسر رسول‌خدا^(ص)، مشتاق دیدار او شد و با مادر و نو عروس خود نزد امام رفت و به اسلام گرویدند و این‌گونه وهب به خیل سربازان سعادت پیوست. ماجرای جان‌سوز و اندوهناک این داماد تازه مسلمان، در کتب تاریخی به‌تفصیل آمده است. وهب به میدان رفت و با دشمن جنگید تا به فیض شهادت رسید و همسرش بر بالین او نشست. پیکر به خون‌نشته او را نزد عمرسعد بردند و سر از تن او جدا کردند. همسر او بار دیگر خود را نزد پیکر مطهر شهید رساند و سر بر سینه او نهاد، گریست. در این هنگام، دشمن با عمود آهنین بر فرق این نو عروس زد و او را به وصال محبوب واقعی و فوز شهادت نائل کرد.

از سوی دیگر، دشمنان سر وهب را برای شکنجه مادر، به سوی آن پیرزن شجاع پرتاب کردند. این مادر صبر و ایثار، سر جوانش را بوسید و گفت: «سپاس خداوندی را که با شهادت تو در رکاب امام حسین ^(عجته) مرا رو سپید کرد.» سپس سر وهب را به سوی دشمن پرتاب کرد و گفت: «آن سرا که برای دوست داده‌ایم، باز نمی‌ستانیم.» و ستون خیمه را برداشت و به دشمن حمله کرد و دو نفر از سپاه سپاه عمرسعد را به هلاکت رساند. امام ^(عجته) او را به خیمه برگرداند و برای او دعا کرد و مژده بهشت داد. ام‌وهب با شادی تمام از امر امام خویش اطاعت کرد و هنگام بازگشت گفت: «خدا یا! امید بهشت را از من بگیر.»^۲ نکته قابل توجه این است که حمله به سوی دشمن، با عمود خیمه در مورد مادر عبدالله‌بن عمر نیز نقل شده است و به‌نقل تاریخ، حضرت اباعبدالله ^(عجته) او را به سوی خیمه‌اش بازگرداند. همچنین در مورد مادر



حضرت زینب (عجته) در کربلا

نزد این زیاد برد و به علت بسته بودن در قصر، ناچار شد، آن گوهر فروزنده را به خانه خود ببرد و پنهان کند. همسر او از آن شب، کینه خولی را به دل گرفت و هنگامی که مختار قیام کرد. همسرش، عیوف دختر مالک، محل اختفای او را به یاران مختار اطلاع داد و سرانجام او به دست آنان کشته شد.^۶

بنابر آمار ذکرشده، در کتب تاریخی، مادران ۷ نفر از شهدای کربلا در روز عاشورا، شاهد شهادت فرزندان نوجوان و جوان خویش بودند و پس از واقعه عاشورا، در کاروان اسرا به خدمت اسیران و به‌ویژه کودکان مشغول بودند. حضور این بانوان که بهای سنگینی جهت این قیام عظیم پرداخته بودند و عزیزان خود را تقدیم راه مقدس امام ^(عجته) کرده بودند، چونان ستون‌هایی بود که خیمه وجود اسرا را نگاه می‌داشت و آرامش روانی در بین آنها ایجاد می‌کرد.

• نقش بانوان عاشورایی پس از اسارت

اکنون که نقش‌های سازنده و مهم زنان در سه مقطع قبل از وقوع حادثه کربلا و در روز عاشورا و دوران اسارت بیان شد، به مهمترین بخش آن؛ یعنی پس از حادثه کربلا و جهاد فرهنگی و سیاسی زنان می‌پردازیم. حضرت زینب ^(عجته) طایفه‌دار این رسالت مهم (یعنی پیام‌رسانی به آنها که نبودند و واقعه عاشورا را ندیدند)، بود. او بنا به‌نقل مورخان در سال ۶۳ یا ۶۵ ه‍. ق درگذشت و در مدت ۳ یا ۵ سال که پس از عاشورا زیست، حتی لحظه‌ای دست از بیدارگری مردم و افشاگری ظلم و ستم دستگاه اموی برنداشت.^۸

فاطمه بنت‌الحسین ^(عجته)

فاطمه بنت‌الحسین ^(عجته) نیز از جمله بانوانی بود که پس از واقعه عاشورا، رسالت پیام‌رسانی فرهنگ عاشورا را به پایان رساند. او در کوفه سخنرانی کرد و علاوه بر سخنرانی افشاگرانه بر ضد دستگاه اموی، به تحریک عواطف پرداخته و باعث بیداری وجدان مستمعان خود شد. پس از ورود به مدینه نیز، با سرودن اشعاری در مجالس سوگواری شهدای کربلا و به‌ویژه سیدالشهدا ^(عجته)، حقایقی را به گوش مردم رساند و تا پایان عمر خود از ذوق و فریحه خدادادی و اندیشه و فکر بلند خویش برای احیای حق و امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرد.^۹

ام‌البئین ^(عجته) همسر امام علی ^(عجته)

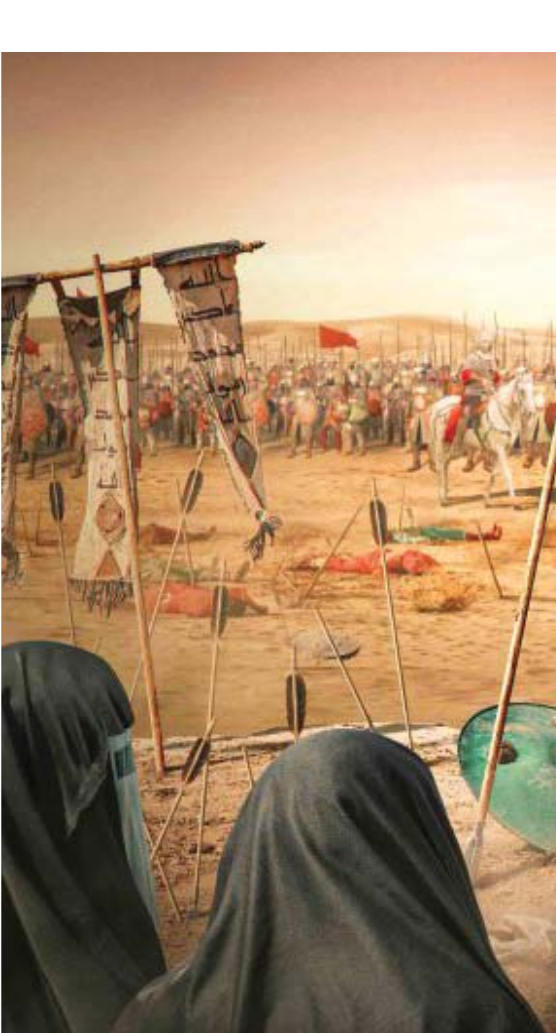
ام‌البئین ^(عجته)، همسر بزرگوار امام علی‌بن ابی‌طالب و مادر حضرت ابوالفضل ^(عجته) نیز، علاوه بر نقش غیرمستقیم خود (تربیت فرزندان شجاع، متدین و ولایت‌محوری چون قمر بنی‌هاشم و سه برادر عزیز او)، مستقیماً به روشنگری پرداخت و با استفاده از ابزارهای محرک عاطفه، مردم را با حقیقت عاشورا و عظمت مصیبت آن آشنا کرد. در کتب تاریخی می‌خوانیم که: «پس از شهادت عباس ^(عجته) ام‌البئین هر روز به‌همراه عبیدالله فرزند عباس ^(عجته) (که در کربلا حضور داشته است)، به بقیع می‌رفت و نوحه می‌خواند و گریه می‌کرد و مردم اجتماع کرده و همراه با او می‌گریستند.»^{۱۰}

حضور این بانوی شجاع و اصیل در بقیع که یک مکان عمومی است و استفاده از شاهد کوچک کربلا (فرزند ابوالفضل العباس ^(عجته)) و روشنگری‌هایی که در نوحه‌ها و سخنرانی‌های او بوده و در کتب معتبر ذکر شده است، حکایت از عظمت روحی او دارد و جلوه‌های سیاسی – اجتماعی این بانو را نمایان می‌سازد.

این بانوی صبر و شکیبایی، حدود ده سال پس از واقعه عاشورا، در سال ۷۰ ه‍. ق، دارفانی را وداع گفت؛^{۱۱} اما در مدت این ده سال، حداکثر تلاش خویش را برای احیای فرهنگ غنی عاشورا مبذول داشت. نقش اساسی این بانو، کمتر از کسانی که در کربلا حضور داشته و به‌یاری امام پرداختند، نبود؛ زیرا استمرار یک فرهنگ و پایدار کردن آن به‌همان اندازه اهمیت دارد که ایجاد فرهنگ.

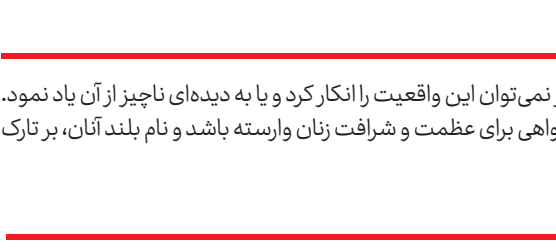
رباب همسر امام حسین ^(عجته)

رباب دختر امرء القیس‌بن عدی، همسر امام حسین ^(عجته) و مادر سکینه و علی‌اصغر ^(عجته) بود. او در کربلا حضور داشت و شهادت کودک شیرخوارش را به چشم دید و پس از وقایع عاشورا به‌عنوان اسیر در میان



حضرت زینب (عجته) در کربلا

حضرت زینب (عجته) در کربلا



کاروان اسرا حضور داشت و پس از بازگشت به مدینه، مدت یکسال برای سیدالشهدا ^(عجته) عزاداری کرد و مرثیه‌هایی در سوگ آن بزرگ‌مرد سرود و به یاد ظهر عاشورا، همواره زیر آفتاب داغ می‌نشست و سرانجام یک سال پس از واقعه عاشورا، از دنیا رفت.^{۱۲}

لیلی همسر امام حسین ^(عجته)

همسر دیگر امام حسین ^(عجته) لیلی دختر ابومره ثقفی است. او در کربلا حضور نداشت و به‌عللی که ذکر نشده است، در مدینه بود که خبر شهادت همسر عزیز و میوه دلش، علی‌اکبر را به او دادند. برخورد این بانو با این مصیبت بزرگ چنان بود که برای اهل مدینه سؤال ایجاد می‌کرد و عواطف مردم را به‌نفع یاران امام حسین ^(عجته) برمی‌انگیخت. به‌عبارتی، بار عاطفی قضیه کربلا توسط زنان، مادران و خواهران شهدا بسیار سنگین می‌شد و همین امر، موجب جاودانگی حرکت امام حسین ^(عجته) و یاران وفادار او شد.

ام‌سلمه همسر پیامبر اکرم ^(عجته)

یکی از بانوان برجسته و مورد احترام مردم مدینه ام‌سلمه بود. او تنها کسی بود که افتخار همسری پیامبر ^(عجته) را داشت و تا آن زمان هنوز زنده بود. احترام و اکرام مردم به این بانوی بزرگ که برخاسته از ارادت به پیامبر ^(عجته) بود، بیش از حد توصیف است. ام‌سلمه که پیش از آن، خبر شهادت امام حسین ^(عجته) را از زبان پیامبر ^(عجته) شنیده بود و هنگام شهادت امام و بارش ^(عجته) نیز رؤیای صادقه‌ای دیده بود، پس از واقعه کربلا، به سوگواری و عزاداری برای آن عزیزان پرداخت و بنی‌هاشم و مردم مدینه جهت تسلیت‌گویی نزد او می‌آمدند و آن بانو به بیان فضایل اهل‌بیت و امام حسین ^(عجته) می‌پرداخت. سخنان او در جمع حاضر اثر می‌گذاشت و دهان به دهان بین مردم منتقل می‌شد و حقانیت امام ^(عجته) را بیش از پیش اثبات می‌نمود.

آنچه در این مقاله بیان شد، قطره‌ای از دریای حماسه‌ها و نقش‌های سازنده و ماندگاری است که زنان در دل تاریخ عاشورا ثبت کرده‌اند. بی‌شک بسیاری از حقایق – چونان همیشه – بر جای مانده است و مجالی برای پرداختن به آنها نیست. گفتنی است که مبحث نقش‌های مستقیم و غیرمستقیم زنان در عرصه‌های گوناگون اجتماع و به‌ویژه در مقاطع حساس و به یادماندنی تاریخ، همچون مبعث، غدیر و کربلا گستره‌ای به وسعت همه تاریخ دارد؛ ولی به‌علل گوناگون از جمله محدودیت‌های ویژه‌ای که در هر زمان از سوی خانواده‌ها و حکومت‌ها برای زنان ایجاد می‌شد و تفاوت وظایف اساسی آنان با مردان و اقتضای طبیعی و به‌عبارتی، وظیفه جنسیتی آنان، این نقش‌ها همواره ناپیدا و یا کم‌رنگ بوده است. به هر حال، برای پژوهشگری که در پی تحقیق پیرامون جلوه‌های تاریخی زنان است، منابع فراوانی وجود دارد که با بیان مصادیق متعدد و پرجاذبه این جلوه‌ها را نمایان می‌سازد. امید آن داریم که این مختصر، جرقه‌ای باشد برای شروع حرکتی بزرگ در جهت شناختن و شناساندن زنان برجسته، فرهیخته و تاریخ‌ساز در عرصه‌های گوناگون.

• پی‌نوشت‌ها

- فرهنگ عاشورا، ص ۱۹۱ (البته در این کتاب سخنی از هانیه به میان نیامده است و نام آن شهیده بزرگوار از کتب دیگر اخذ شده است)؛
- فرای از زیارت جامعه کبیره؛
- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۵۰؛
- مناقب ابن‌شهرآشوب، ج ۴، ص ۱۰۵؛
- عمادزاده، زندگانی سیدالشهدا ^(عجته)، ج ۲، ص ۱۲۴؛
- فرهنگ عاشورا، ص ۳۳؛
- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۵؛
- رک: سید نورالدین جزایری، الخصائص الزینیه؛
- رک: هادی الامینی، فاطمه بنت‌الحسین ^(عجته)، ص ۵۱؛
- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۹۴؛
- نهال‌غروی نائینی، محدثات شیعه، ص ۲۵؛
- فرهنگ عاشورا، ص ۱۸۳؛